

## بررسی مقایسه‌ای و نقد روش‌شناسی ترجمه ابومنصور اصفهانی و عزالدین کاشانی از کتاب عوارف المعارف سهروردی

رضاشجری\*

الهام عربشاهی کاشی\*\*

### چکیده

نقد روش‌شناسی کتاب، یکی از موضوعات قابل توجه در حوزه آثار علمی و پژوهشی است و با توجه به اینکه کتاب مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه عزالدین محمود کاشانی و ترجمه ابومنصور عبدالمؤمن اصفهانی در شمار آثار شاخص و مهم عرفانی در قرن هشتم هجری است و هر دو مترجم در شمار سلسله مشایخ سهروردیه از مشرب فکری واحدی برخوردارند، مقایسه تطبیقی و نقد روش‌شناسی این آثار، علاوه بر معرفی و تبیین کتاب عوارف المعارف سهروردی، امکان شناخت بیشتر و همه‌جانبه هر دو اثر را نیز فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که مترجمان تا چه اندازه در ترجمه خود، تحت تأثیر متن اصلی عوارف المعارف سهروردی بوده و توانسته‌اند در زمینه ترجمه، توانمند عمل کنند. البته نقدهایی نیز بر این دو اثر وارد است که نگارندگان در این نگاشته قصد دارند علاوه بر مقایسه تطبیقی و توصیف و تبیین متن اصلی هر دو ترجمه، نقدهایی با رویکرد محتوایی و لفظی نیز انجام دهند تا ضمن بررسی، توصیف و تحلیل این دو اثر، روش‌شناسی آن‌ها هم از جنبه انتقادی نقادی شود.

کلیدواژه‌ها: عوارف المعارف سهروردی، مصباح الهدایه عزالدین کاشانی، ترجمه ابومنصور عبدالمؤمن اصفهانی، نقد و روش‌شناسی.

\* دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول، rshajari@yahoo.co.uk.ir

\*\* دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان / e.arabshahi@yahoo.com

## ۱. مقدمه

شیخ الاسلام ابو حفص عمر بن محمد ملقب به سهروردی متوفای ۶۳۲ق از بزرگان مشایخ متصوفه و صاحب کتابی به نام *عوارف المعارف* در زمینه تصوف عملی و اخلاق به زبان عربی است. *عوارف المعارف* بعد از *قوت القلوب* مکی و *رساله قشیریّه*، سومین کتاب مهم عرفانی عصر خود محسوب می‌شود و تعلیقات و شروح بسیاری بر آن نوشته شده است؛ از جمله: ترجمه و شرح عزالدین محمود کاشانی موسوم به *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه* (از آثار قرن هشتم هجری)، ترجمه منظوم عماد فقیه کرمانی به نام *طریقت‌نامه*، ترجمه و توضیح ظهیرالدین بزغش شیرازی و ترجمه فارسی عبدالؤمن اصفهانی در قرن هفتم که در سال ۱۳۶۴ به اهتمام قاسم انصاری منتشر شده است.

ابومنصور اصفهانی شاعر و صوفی و پیرو طریقه سهروردیه در قرن هفتم هجری است که با وقوف کامل به اهمیت و شهرت *عوارف* و تسلط کافی و لازم به دو زبان عربی و فارسی برای «تنشیط قاریان» و بهره‌مندی همگان و رضایت خاطر دوستان، این کتاب را ترجمه کرده است. وی از مریدان عبدالسلام کاموی و تاج‌الدین اشنه‌ی و پسر او صدرالدین اشنه‌ی (قرن هفتم) است (سهروردی، ۱۳۷۴: سی و چهار و سی و پنج). عزالدین کاشانی هم از عرفا و حکمای مشهور قرن هفتم و هشتم هجری است که وی از محضر استادانی مانند نورالدین عبدالصمد نطنزی و ظهیرالدین عبدالرحمن بزغش شیرازی بهره برده و به مقامات بالای عرفانی دست یافته است. او هم مانند سایر صوفیان هم‌عصر خود تحت تعلیم دو مکتب علمی محیی‌الدین بن عربی و سهروردی بوده است. *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه* و نیز *کشف الوجوه الغرّ لمعانی نظم الدرّ* از آثار اوست. *مصباح الهدایه* بر اساس کتاب *عوارف المعارف* شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی نوشته شده و بیشتر اصول و فروع آن را در بر دارد و مطالب دیگری را هم بر آن افزوده و اثری مستقل را تألیف کرده است (کاشانی، ۱۳۸۵: یازده تا چهارده).<sup>۱</sup>

هر دو مترجم، نه تنها هم‌عصر بوده، بلکه مشرب عرفانی واحدی داشته و چون در

شمار سلسله‌مشاخص سهروردی بوده‌اند، به ترجمه کتاب *عوارف المعارف* روی آورده‌اند. از مختصات تصوف قرن هشتم، آمیختن تصوف با ریا و تزویر بود. ابومنصور اصفهانی نیز عصر خود را عصر قحط علمای زاهد و عارفان محقق دانسته است و همین امر سبب شد تا ترجمه کتاب‌های مهم عرفانی مانند *عوارف المعارف* در زمینه تعلیم مبانی عرفان و تصوف، اهمیت بیشتری پیدا کند (دیوسالار، ۱۳۹۲: ۱۸).

نگارندگان سعی داشته‌اند تا با مقایسه تطبیقی هر دو ترجمه، روش مترجمان مذکور را نقد و ارزیابی کرده و زمینه شناخت ابعاد و زوایای پنهان هر دو اثر و نیز متن مبدأ را فراهم کنند.

### ۱-۱. پیشینه و لزوم پژوهش

به جز مقدمه انصاری بر ترجمه ابومنصور اصفهانی از کتاب *عوارف المعارف* که به‌طور مختصر به بررسی تطبیقی *مصباح الهدایه* و ترجمه *ابومنصور اصفهانی* پرداخته، تاکنون هیچ اثر مستقلی درباره بررسی تطبیقی و نقد روش‌شناسی این دو اثر انجام نشده است. البته باید ذکر شود که پیش از این مقاله، در مقاله «از ترجمه تا تألیف: مقایسه ساختاری محتوایی دو ترجمه کتاب *عوارف المعارف*» (عباسی، ۱۳۹۶) به این موضوع تنها در بخش نتیجه‌گیری اشاره شده است. مقاله مذکور بسیار مختصر نگاشته شده و بیشتر حجم مطالب مربوط به تعریف ترجمه، انواع و اهمیت آن است که تنها در بخش نتیجه‌گیری به برخی از تشابهات و افتراقات این دو ترجمه اشاره شده است؛ اما در این نگاشته سعی شده تا ضمن بررسی مقایسه‌ای، روش هر دو مترجم نیز مورد نقادی قرار گیرد؛ امری که در مقاله «از ترجمه تا تألیف...» بدان پرداخته نشده است. مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی با موضوع بررسی و تحلیل متن *مصباح الهدایه* و حتی تطبیق آن با سایر آثار عرفانی انجام گرفته است که در متن اصلی این مقاله به تعدادی از آنها مانند افراسیاب‌پور (۱۳۸۹)، آق‌ارکاکلی (۱۳۹۴)، آق‌انعمتی (۱۳۹۳) و... مراجعه و از آرا و نظریات آنها استفاده شده است. در اینجا اندکی درباره روش‌شناسی و نقد توضیح داده می‌شود تا مبنای کار نگارندگان در این زمینه کاملاً مشخص شود.

## ۲. روش‌شناسی

روش، معادل فارسی Method است که از واژه یونانی Meta یعنی در طول و Odor به معنی راه مشتق شده و معنی دقیق آن «در پیش گرفتن راهی» است. گاستون باشلار<sup>۲</sup> فیلسوف و معرفت‌شناس فرانسوی، روش علمی را در «غلبه بر پیش‌داوری‌ها»، «ساختن از راه تعقل» و «مقایسه با واقعیات» خلاصه می‌کند. روش علمی، شرح اصول اساسی در هر کار تحقیقی است که شامل همه وسایل و مراحل جمع‌آوری نظام‌مند اطلاعات و نحوه تجزیه و تحلیل منطقی آن‌ها برای نیل به یک هدف معین است (آسایش و مشیری، ۱۳۸۴: ۳۳). کریستنسن معتقد است که روش شیوه ویژه‌ای است که روش علمی به کمک آن اجرا می‌شود (لاری بی، ۱۳۸۷: ۴۹؛ نیز نک: فتح‌اللهی، ۱۳۹۴: ۲۴۷).

روش‌شناسی از مباحث مهم در امر پژوهش و نظریه‌پردازی است. «روش‌شناسی یا متدولوژی (methodology) بخشی از علم منطق است که درباره روش‌های مختلف معرفت و علوم تحقیق می‌کند. به عبارت دیگر، تحقیق در روش‌های عام مثل تحلیل، ترکیب، استقراء، استنتاج، شهود و استدلال و امثال آن بر عهده علم روش‌شناسی است و هدف آن تعمق در باب فرایندهای عقلانی یک اندیشه منظم است. وظیفه این دانش، مطالعه روش‌های مختلفی است که پژوهندگان باید آن‌ها را در پژوهش‌های علمی خود به کار گیرند (فتح‌اللهی، ۱۳۹۴: ۲۴۵).

تعریف معروفی که اغلب از روش‌شناسی ارائه شده، مبتنی بر کتاب فلسفه علمی یا روش‌شناسی فیلیسین شاله است که روش‌شناسی را در حقیقت، نوعی شناخت و منطق حاکم برای تبیین مسیر تحقیقاتی محقق و نوعی مدل فکری یا چهارچوب نظری برای چگونگی انجام تحقیق بر اساس یک الگو یا انگاره (پارادایم) فکری دانسته است (نظریگی، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۸؛ نیز نک: برومند، بی‌تا: ۷۱). در واقع، روش‌شناسی و روش در کنار هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، چهار عنصر اساسی در هر پارادایم فکری‌اند که پاسخ پارادایمی به آن‌ها، خط‌مشی پارادایمی یا خصیصه موجود در مسیر پارادایمی تحقیقات علمی را توصیف می‌کند (ایمان، ۱۳۸۸: ۴۹).

### ۳. نقد روش‌شناسی

نقد روش‌شناسی در شمار مقولاتی است که بسیاری از تحقیقات امروزی را در حوزه‌های مختلف در بر می‌گیرد. هدف این پژوهش نیز نقد روش‌شناسی دو کتاب *مصباح الهدایه* و *مفتاح الکفایه* و ترجمه *عوارف المعارف* است که هر دو اثر، کتاب *عوارف المعارف* را اساس کار خود قرار داده و درصدد ترجمه و شرح آن برآمده‌اند. البته این‌گونه تحلیل‌های محتوایی و نقادانه، اشکالاتی را نیز به‌همراه دارد که بدین شرح است:

«نخست اینکه دو محقق از دو فرهنگ مختلف به‌علت تفاوت‌های فرهنگی برداشت‌ها و ارزیابی‌های متفاوتی از یک محتوا داشته باشند. دوم اینکه خصوصیات محقق تحلیل‌گر یا کدگذار می‌تواند بر روی نحوه طبقه‌بندی و در نهایت تحلیل، تأثیر بگذارد» (سهراب‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۲). هرچند نقد دارای ملاک‌های قاطع، علمی و ثابت نیست بلکه اعتباری و ذوقی و متکی بر احساسات و عواطف است، سنجش آثار ادبی تنها به یاری ذوق سلیم و تجربه بسیار است؛ زیرا به مدد «ذوق سلیم و مهذب، تجربه و شناسایی موارد ضعف و قوت سخن» می‌توان تا حد زیادی به قضاوت خود امیدوار بود (مرتضوی کرون، ۱۳۶۴: ۳۰-۳۱).<sup>۳</sup>

روش نقد در این مقاله به‌صورت گزینش عباراتی موجز از متن هر دو مترجم است که علاوه بر بررسی مقایسه‌ای هر دو اثر، نقد و تحلیل روش‌شناسی آن‌ها نیز انجام خواهد شد؛ زیرا این‌گونه نقد، دارای عملکردهای بسیار اساسی است و قسمت‌های عملی نقد، به روشن کردن قسمت‌های موجز متن می‌پردازد و گاهی هم با انتخاب مثال‌های ویژه از قسمت‌های منتخب متن برای نقد و تبیین اثر مورد نقد استفاده می‌شود (پیری، ۱۳۸۳: ۱۳).

### ۴. بررسی و نقد روش‌شناسی عزالدین کاشانی و ابومنصور اصفهانی در ترجمه *عوارف المعارف*

#### ۱-۴. میزان وفاداری هر دو مترجم به متن مبدأ

هر دو مترجم سعی داشته‌اند تا به بهترین شکل ممکن، اندیشه‌ها و پارادایم‌های فکری

سهروردی در *عوارف المعارف* را بازتاب دهند، اما اینکه تا چه اندازه به این هدف مهم دست یافته‌اند، نکته بسیار حائز اهمیتی است که در این نگاهسته سعی شده تا بدان پرداخته شود. صاحب‌نظران درباره قرار گرفتن *مصباح الهدایه* در شمار تراجم فارسی *عوارف المعارف*، به دو دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای مانند چلبی در *کشف الظنون*، حمدالله مستوفی در *تاریخ گزیده*، نفیسی در *نظم و نثر* و دیگر آثار مانند *ارزش میراث صوفیه*، *ریحانه الادب* و *مجله روز کارنو*، *مصباح الهدایه* و *مفتاح الکفایه* را در شمار تراجم فارسی *عوارف المعارف* قلمداد کرده‌اند؛ اما عده‌ای هم مانند غنی و همایی معتقدند که این کتاب، ترجمه نبوده بلکه کتاب مستقلی است که متضمن مطالب *عوارف المعارف* به انضمام مطالب دیگری از عزالدین کاشانی است (نیرومند، ۱۳۶۴: ۴۱۸-۴۱۹).

برخی هم معتقدند که کاشانی نظریه خاصی که متعلق به خودش باشد ارائه نکرده، بلکه با واسطه کتاب *عوارف المعارف* و یا بدون واسطه آن، از کتبی مثل *قوت القلوب*، *رساله قشیریه* و *اللمع بهره برده* و در ضمن آن مایه‌های فکری خود را افزوده است؛ اما این پیرایش و افزایش تا حدی نیست که اسلوب و نظریه اخلاقی جدیدی بدهد بلکه برای اثبات حقانیت گفته‌های خود، اصرار اکید و توجه ویژه‌ای به شیوه نقلی و ظرفیت‌های اقناعی دارد و بیشتر به مقبولات صنف و عصر خود می‌پردازد و نکته جدای از سایر آثار عرفانی در اخلاق و تربیت نکرده است (آقاعمتی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

نگارندگان در این نگاهسته با دیدگاه غنی و همایی موافق‌تر بوده و معتقدند که اگرچه مبنای کار عزالدین محمود همان *عوارف المعارف* است، شرح‌ها و افزودنی‌های عزالدین محمود به اندازه‌ای است که اگر نتوان همچون همایی و غنی آن را کتابی مستقل معرفی کرد، دست‌کم می‌توان آن را اثری نیمه‌مستقل به حساب آورد. با وجود اینکه چهارچوب نظری و پارادایمی و فکری هر دو مترجم بر اساس *عوارف المعارف* طرح‌ریزی شده، چهارچوب نظری و فکری ابومنصور اصفهانی به *عوارف المعارف* نزدیک‌تر و منطبق‌تر است.

روش عزالدین کاشانی برخلاف ابومنصور اصفهانی بیشتر مبتنی بر اطلاعات و ابزارهای زبانی خاص خود اوست و عزالدین کاشانی بیشتر سعی کرده مستقل عمل کند و الگوهای فکری خود را در ترجمه دخیل سازد. او هر جا تمایل داشته به تلخیص و گزینش روی آورده و هر جا لازم دیده، مطالبی را از خود یا سایر اربابان سیروس و سلوک افزوده است. در سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه در تأیید این مطلب آمده است: «مأخذ عمده نویسنده، عوارف المعارف سهروردی است اما برخلاف آنچه بعضی پنداشته‌اند ترجمه آن کتاب نیست. نویسنده اصول و رئوس مطالب را از عوارف گرفته و اسنادها را حذف و ترتیب مطالب را نیز عوض نموده و بر اساس تبویبی تازه، کتاب را پرداخته و مطالبی بر آن افزوده و در مواردی هم مطالبی را عیناً ترجمه کرده است (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۲۲۰-۲۲۱). سخنان عزالدین کاشانی در مصباح الهدایه هم مؤید این مسئله است: «... تا روزی این خاطر وارد شد که در این فن، مختصری به پارسی، از سخن مشایخ صوفیان، با ضمائم چند از عندیات و مفتوحات که از غیب در اثنای آن سانح شود، تألیف کنم چنان‌که اکثر اصول و فروع کتاب عوارف المعارف را شامل و متناول بود و دیگر فواید و عواید، در او مجموع و حاصل...» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۳). هر چند شعبانزاده معتقد است: «عزالدین کاشانی در نقل روایت‌ها امانتدار بوده و برخی از روایات مصباح الهدایه عیناً در کشف المحجوب و رساله قشیریه و اللمع آمده و برخی نیز با اندک تغییر ذکر شده و نمی‌توان بر امانتداری او خرده گرفت» (شعبانزاده، ۱۳۸۴: ۷۵)؛ اما اگر مصباح الهدایه در شمار تراجم فارسی عوارف المعارف هم انگاشته شود، باز هم به قول آق ارکاکلی، این کتاب از نوع ترجمه و شرح اصطلاحی معمولی مانند تاریخ و تفسیر طبری و صحیفه سجادیه و شرح فصوص رکن‌الدین شیرازی نیست. نسبت این کتاب به عوارف المعارف از سنخ نسبت کتاب اخلاق ناصری طوسی به کتاب الطهاره یا تهذیب اخلاق ابوعلی مسکویه است (آق ارکاکلی، ۱۳۹۴: ۳۸).

عزالدین کاشانی جز مواردی که جملات عوارف را عیناً ترجمه کرده، در بقیه ابتکار دارد و حکایات و روایات و آیاتی را که لازم دانسته در جای خود بیان و در جمله‌بندی

هم عیناً از کتاب *عوارف المعارف* پیروی نکرده است (ساعدی، ۱۳۹۵: ۱۱). او در بسیاری از موارد پا را فراتر از متن نهاده و به جرح و تعدیل مطالب پرداخته است. برای مثال، در ذکر اقسام خواب‌ها، ابتکار عمل داشته و خواب‌ها را مطابق رأی و نظر خود نامگذاری می‌کند و خواب‌های کمابیش راست را با نام «کشف مخیل» آورده است (پیرانی و عظیمی، ۱۳۹۰: ۹۶). همین مسئله گواه آن است که عزالدین کاشانی برخلاف ابومنصور اصفهانی، زیاد هم در قیدوبند متن مرجع نبوده و گاهی هم مطابق ذوق و سلیقه خود به تلخیص و گزینش یا حذف و اضافه مطالب می‌پرداخته است. برای مثال، درباره حذف و گزینش مطالب آورده است: «و از ادعیه فاضله معتبره که اعتماد را بشاید و بر نقل آن از حضرت رسالت و ثوقی باشد آن است که شیخ ابوطالب مکی رحمه الله در کتاب *قوت القلوب* ایراد کرده است و شیخ الاسلام در *عوارف* از آن جمله قسمی منتخب آورده است و در این مختصر از آن منتخب نبذی و شطری انتخاب کرده شد» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۲۸).

بخش قابل توجهی از مطالب و مباحث عزالدین محمود در *عوارف المعارف* نیست. برای نمونه، عزالدین کاشانی گاهی هم به افزودن مطالب اهتمام ورزیده؛ چنان که در بحث انواع خرقة مانند ابومنصور اصفهانی به تبع سایر عرفا، خرقة را شامل دو نوع ارادت و تبرک دانسته، ولی در ادامه سخن از خرقة ولایت هم نام می‌برد و می‌گوید: «... چون شیخ در مرید، آثار ولایت و علامت وصول به درجه تکمیل و تربیت مشاهده کند و خواهد که او را به نیابت و خلافت خود نصب کرده به طرفی فرستد و او را در تصرف و تربیت خلق مأذون گرداند وی را خلعت ولایت و تشریف عنایت خود پوشاند» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

البته باید ذکر شود که ترجمه ابومنصور اصفهانی هم ترجمه‌ای نسبتاً آزاد است و مترجم با حذف اسانید و مکررات و افزودن اشعار فارسی، خود را مقید به ترجمه همه مطالب کتاب ندیده است؛ اما با وجود این نظم و ترتیب اصلی کتاب را حفظ کرده و در عین اختصار سعی کرده تا جان کلام سهروردی را به فارسی برگرداند. در حقیقت



رشته‌ای پنهان تمام موضوعات و فصول آن را به هم پیوند داده است (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۲۱۲). برای مثال، برخلاف عزالدین کاشانی، ابومنصور اصفهانی امانت‌دارتر از وی بوده به طوری که اکثر باب‌های کتاب را به استثنای برخی از ابواب، با عبارت «قال الله تعالی... شیخ رحمه گفت» یا «شیخ رحمه گفت» آغاز و در ادامه از ابیات فارسی یا عربی برای تبیین بهتر مطلب استفاده کرده است (سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۵۴ و ۱۵۹).

#### ۲-۴. روش هر دو مترجم در استناد به اقوال و روایات راویان

ابومنصور اصفهانی و عزالدین کاشانی در ارائه مرجع و مأخذ مستنداتشان، ضمن بیان آرا و نظریات صاحبان اندیشه، به نام و نشان آن‌ها به صورت آشکار یا سربسته با عباراتی مانند «ابو عبدالله السجری گفته است»، «چنان‌که در خبر است»، «بعضی گفته‌اند» اشاره کرده و نظریات دیگران را از آراء خود متمایز کرده اما هر دو مترجم از شیوه حذف اسانید استفاده کرده‌اند و برای معانی سندی ارائه نمی‌دهند و غیر از نام بردن از کتاب *قوت القلوب* از ابوطالب مکی و ذکر مؤلف *عوارف المعارف*، از ذکر نام منابع مورد استفاده خودداری ورزیده و تنها به اقوال و روایات راویان، بدون ذکر منبع و مرجع اصلی سند معنی فقط به ارائه مطلب بسنده می‌کنند؛ البته در بسیاری از موارد نیز مسند آن‌ها قرآن است (شعبانزاده، ۱۳۸۴: ۷۵). اما به تصریح خود عزالدین کاشانی در مقدمه و از روی مقایسه هر دو کتاب با یکدیگر، می‌توان گفت که مصباح *الهدایه* کتاب مستقلی در تصوف است که اکثر اصول و فروع *عوارف* را شامل، ولی در نقل حکایات و روایات سلسله اسانید سهروردی را حذف کرده است (ساعدی، ۱۳۹۵: ۹).

هرچند شیوه و روش عزالدین کاشانی در نقل مطالب، بیشتر مبتنی بر عدم ذکر نام و نشان و ارجاع مطالب است و شاید بتوان او را از این حیث به التقاط‌نگاری متهم کرد، با اندکی تأمل، خلاف این مطلب اثبات می‌شود؛ زیرا او هرگز مطالب دیگران را به نام خود ثبت نکرده است، بلکه با آوردن واژه «بعضی» و «در خبر است» سعی کرده تا در عین حفظ امانت به شیوه غیرمستقیم به تلفیق مطالب بپردازد. برای مثال در بحث خرقة آورده است: «بعضی بر این دو خرقة، ولایت زیادت کرده‌اند و آن، آن است که

چون شیخ در مرید آثار ولایت و علامات وصول به درجه تکمیل و تربیت مشاهده کند...» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

در اینجا به ذکر یک نمونه از هر دو اثر در زمینه حذف اسانید اکتفا می‌شود:

#### ۲-۱. نمونه‌ای از ترجمه ابومنصور اصفهانی

«قال رسول الله، صلعم، احب شیء الی الله تعالی الغریاء. قیل: و من الغریاء؟ قال: الفرارون بدینهم یجتمعون الی عیسی بن مریم یوم القیامه» (سهروردی، ۱۳۷۴: ۶۲).

#### ۲-۲. نمونه‌ای از ترجمه عزالدین کاشانی

«... و از این حیاست آنچه در خبر آمده است: استحووا من الله حق الحیاء قالوا انا نستحی من الله یا رسول الله قال لیس ذلک و لکن من استحیی من الله حق الحیاء...» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۹۲).

#### ۳-۴. روش هر دو مترجم از حیث تبیین و توصیف مطالب

کاشانی در تبیین و توصیف مطالب، روشمندتر از ابومنصور اصفهانی عمل کرده است و انسجام منطقی و معنایی در ساختار کتاب او، بیشتر از ترجمه ابومنصور اصفهانی است. حتی در نگاه کلی به ساختار عمودی ترجمه ابومنصور، در برخی موارد می‌توان او را به بی‌روشی هم متهم کرد. برای مثال، حروف یکی از عوامل انسجام معنایی در *مصباح الهدایه* است که کاربرد آن‌ها در این کتاب بسیار فراوان است. حروف افزایشی مانند واو، سببی مانند چه و زیرا که، نقیضی مانند لکن و اما، شرطی مانند الا، زمانی مانند وقتی، تطبیقی و مقایسه‌ای مانند همچنان که، توضیحی مانند چنان که، مثلاً، از جمله و... در این کتاب پرکاربردند (آقاعتمی، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۱۶). هر چند ابومنصور اصفهانی هم از حرف «واو» افزایشی و حرف نقیضی «اما» و شرطی «الا» بسیار استفاده کرده، عزالدین کاشانی در شیوه به‌کارگرفتن حروف برای تقویت انسجام معنایی، روشمندتر از ابومنصور اصفهانی عمل کرده است. همچنین روشمندی عزالدین کاشانی تا حدی است که مانند اسلاف خود در فرهنگ‌نویسی بر اساس سابقه تاریخی واژگان به ضبط معنای آن‌ها می‌پردازد و برای معنی هر اصطلاح از قدما نقل قول می‌کند؛

چنان‌که برای تعریف مقام، کاشانی مفهوم آن را از طریق سیر تاریخی معنای آن، ابتدا با روایتی از حضرت علی(ع)، آنگاه جنید سپس ابوعثمان حیری و عبدالله انصاری مطرح می‌سازد (شعبانزاده، ۱۳۸۴: ۷۰). یا از غور در مندرجات فهرست مطالب کتاب عزالدین آشکار می‌شود که مؤلف در سه باب مستحسانات، آداب و اعمال که بیشترین حجم مطالب باب‌ها را دارا هستند به آموزش عملی صوفیان، توجهی خاص مبذول داشته‌اند. او در این باب‌ها درصدد استوار کردن پیوند تصوف با قرآن و احکام اسلامی برآمده است (همان جا). حتی کاشانی در *مصباح الهدایه*، از آیات قرآن هم به‌طور روشمند و کاملاً هدف‌دار بهره برده است؛ چنان‌که پزشکی و نریمیس معتقدند که تأویل قرآن در *مصباح الهدایه*، بر دو محور تأویل صوفیانه و تأویل کلامی استوار است و مانند دیگر متون ادب فارسی از قرن پنجم و پس از آن، چه عرفانی و چه غیرعرفانی، متأثر از کلام اشعری است به‌گونه‌ای که از آیات در جهت اثبات باورهای کلامی خود بهره برده است (پزشکی و نریمیس، ۱۳۹۵: ۱۸). به عبارت دیگر، عزالدین کاشانی در روش ارائه مطالب، گاه تعلیلی و گاه صرفاً تبیینی برخوردار می‌کند؛ چنان‌که گاهی از متدهای تحلیل لغوی برای بیان مراد خود سود برده است. مثلاً بحث را بر واژه‌ای متمرکز می‌سازد و به ریشه‌یابی و اشتقاق آن می‌پردازد. برای نمونه در معنای لغوی «صلوة» و «صوم» به این روش روی آورده است (آقانعتمی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). عزالدین کاشانی گاهی برای بیان مباحث اخلاقی و تربیتی از استدلال منطقی استفاده کرده و با تمثیل و قیاس منطقی، قصد القای مطلب و قانع کردن خواننده را دارد (همان: ۱۱۱)؛ اما ابومنصور اصفهانی کمتر از وی از روش استدلالی بهره برده است. پس در کل، می‌توان گفت که کاشانی در *مصباح الهدایه* کاملاً روشمند عمل کرده و بیش از توصیف به دنبال تبیین مطالب بوده است.

در اینجا بخش مشابهی از هر دو اثر، انتخاب و روش مترجمان در تبیین و توصیف مطالب بررسی می‌شود:

#### ۳-۴. تبیین و توصیف مقام توبه در باب شصتم ترجمه ابومنصور

ابومنصور اصفهانی برخلاف عزالدین کاشانی، در بیان مطالب و تبیین و توصیف آن‌ها،

تحت تأثیر متن اصلی، فقط به روایتگری پرداخته و گاهی هم در ذکر برخی از مطالب، شیوه ایجاز را در پیش گرفته است. چنان که در مقام توبه نیز به طور مختصر، تنها به تعریف مختصری از توبه و احوال و مقارنات آن بسنده کرده، ولی در تبیین و توصیف درجات توبه و نتایج و علامات آن، روشمند و منظم عمل نکرده است (سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۸۰-۱۸۱).

#### ۲-۳-۴. تبیین و توصیف مقام توبه در باب نهم مصباح الهدایه

عزالدین کاشانی در فصل اول از باب نهم، ابتدا به تعریف توبه سپس در مرحله بعدی به بیان احوال، مقارنات و ارکان توبه و نیز نتایج و علامات آن پرداخته است. در مرحله آخر هم درجات توبه را ذکر کرده است (کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۵۵-۲۵۸). عزالدین کاشانی در بیان مطالب، از وحدت و انسجام منطقی خاصی برخوردار است و مطالب را به صورت التقاطی و کشکولی بیان نکرده، بلکه ترجمه او از برنامه و نظم ویژه‌ای برخوردار است. در تأیید این موضوع، می‌توان گفت که عزالدین کاشانی در باب «در آداب سماع» از همین شیوه استدلالی برای اقناع مخاطب بهره برده است (همان: ۱۳۶-۱۳۹)، اما ابومنصور اصفهانی در این باب بیشتر به دنبال ترجمه متن اصلی و گردآوری نظریات سایرین است و به دنبال اقناع مخاطب از طریق استدلال نیست (سهروردی، ۱۳۷۴: ۹۵-۹۸).

#### ۴-۴. روش هر دو مترجم در میزان استفاده از دانسته‌های علمی و تمایز گذاری

##### میان روایت و درایت

یکی از شرایط پژوهش روشمند، وقوف محقق بر پیشینه تحقیق و برخورداری از آن‌هاست که صرف بهره‌مندی از آثار پیشینیان امری نکوهیده نیست اما نحوه بهره‌مندی از این آرا تعیین‌کننده است؛ زیرا روایت بدون درایت در شرایطی می‌تواند دلیل بر التقاط اندیشه‌ها گردد. اما گزارش توأم با تحلیل و پردازش روشمند آرا به التقاط نمی‌انجامد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۴۶). عزالدین کاشانی از روح تحقیق و کنجکاوی فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و همواره سعی کرده تا در متن کتاب *مصباح الهدایه* با بهره‌مندی از آراء پیشینیان، مستند و جامع سخن بگوید. در حقیقت گزارش او از

عوارف همراه با تحلیل و پردازش روشمند آراست؛ اصلی که در ترجمه ابومنصور اصفهانی کمرنگ‌تر است و ابومنصور اصفهانی با تسامح بیشتری به ترجمه پرداخته و همین مسئله سبب شده تا مخاطب به متن عزالدین بیشتر اعتماد کند. چنان‌که علامه همایی می‌گوید: «از جمله محاسن و مزایای این کتاب که آن را از دیگر مؤلفات نوع خود ممتاز می‌سازد و بر اعتماد خواننده و اهمیت کتاب می‌افزاید آن است که مؤلفش عالمی محقق بوده و از حکمت و کلام و حدیث و فقه و روایت اطلاع کافی داشته و هیچ مطلبی را بدون مبنی و مدرک علمی و هیچ روایت و حکایتی را بدون مأخذ و سند معتبر در نوشته‌های خود به قلم نیاورده است برخلاف بسیاری از مؤلفان بعد از عهد مغول، تاکنون که اصلاً روح تحقیق و کنجکاوی ندارند و در نقل روایات و حکایات بسند و مأخذ معتبر پایبند نیستند» (کاشانی، ۱۳۷۶: ۳۴). همچنین عزالدین کاشانی در اصول و فروع عقاید به برکت تعلیمات تصوف در دایره تقلید خام محدود نماند و در اصل تسنن هم مقابل تشیع، تعصب و جمود ندارد (آق ارکاکلی، ۱۳۹۴: ۳۹). با اندکی تأمل در نمونه‌های ذیل می‌توان پی برد که عزالدین کاشانی محققانه‌تر از ابومنصور اصفهانی به نقل حکایات و روایات می‌پردازد و ضمن بهره‌مندی از آرا و نظرات پیشینیان، میان روایت و درایت تمایز قائل شده و مخاطب با التقاط‌انگاری اندیشه‌ها روبه‌رو نیست. چنان‌که کاشانی حتی برای درج معنی اصطلاحات، نظریات گوناگون درباره آن را از گذشته تا زمان خود بیان می‌کند و اختلاف نظرهایی را که درباره آن وجود دارد، مطرح می‌سازد و با استدلال، یک مفهوم را بر دیگری ترجیح می‌دهد و بدین وسیله به تفکیک مرز درایت از روایت می‌پردازد (شعبانزاده، ۱۳۸۴: ۷۰).

در حقیقت عزالدین کاشانی به‌جای حصرگرایی روش‌شناختی از کثرت‌گرایی روشمند استفاده کرده است. کثرت‌گرایی روشمند، از حیث برنامه پژوهشی بر دو گونه است: کثرت‌گرایی مبتنی بر برنامه مکانیکی و کثرت‌گرایی مبتنی بر برنامه دینامیکی. محقق در قسم اول، آرای مختلف را از علوم گوناگون اخذ می‌کند؛ اما هر یک از آرا را

با طرح و برنامه پیشین، در نظام معرفتی معینی جای می‌دهد. دیدگاه یک گستره را چون ریشه‌ها و دیدگاه گستره دیگر را چون تنه و سومی را چون شاخه و برگ نظام خود قرار می‌دهد. در این برنامه، محقق با دوری از حصرگرایی روش شناختی، از دیدگاه‌های مختلف بهره‌مند می‌شود و از هیچ دیدگاهی اعراض نمی‌ورزد؛ اما بهره‌مندی وی از دانش‌های مختلف، صرفاً برای تأسیس نظام معرفتی خاصی است (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ۳۹۰). برای مثال، صاحب مصباح الهدایه برای وقت، سه وجه عرفانی ذکر کرده است: ۱. وصف غالب بر بنده؛ ۲. طریق هجوم ناگهانی از غیبت متجلی شده که با غلبه تصرف خود سالک را در سیطره درآورد؛ ۳. زمان حال که عارف در آن است مابین گذشته و آینده.

فقط در این کتاب برخلاف سایر کتب عرفانی مانند رساله قشیریه، کشف المحجوب، تمهیدات، تذکره الاولیا، عوارف المعارف و مرصادالعباد، وجه متمایزی از تعریف وقت آمده است؛ زیرا همه صاحبان این هفت کتاب، وقت را از آن لحاظ که وادی درونی است و هبی دانند نه کسبی. و از این لحاظ که در طی مجاهدات عارف حاصل می‌شود، معتقدند یک روی هم در کسب و مجاهده عارف دارد. تنها در مصباح الهدایه در تعریف سوم از وقت که عارف ابوالوقت می‌شود می‌توان صورتی از کسب را مشاهده کرد. (هادوی، ۱۳۸۵: ۱۵۳). عزالدین کاشانی همواره کوشیده تا مرزی باریک میان روایت و درایت قائل شود. در اینجا، نمونه‌ای یکسان از هر دو اثر، برای نشان دادن تأثیر دانسته‌های علمی در ترجمه ایشان ذکر می‌شود.

#### ۴-۱. نمونه در آداب اکل از باب چهل و سوم ترجمه ابومنصور

اما ابومنصور اصفهانی برخلاف عزالدین کاشانی فقط به روایتگری از کتاب عوارف پرداخته است و دخل و تصرف چندانی در بیان مطلب ندارد؛ چنان‌که در باب آداب اکل با جمله «شیخ رحمه گفت» مطلب را آغاز کرده است: «شیخ رحمه گفت: ادب آن است در طعام خوردن، مبدأ به نمک [کند] که رسول صلعم به علی گفت: رضی الله که: ای علی، چون طعام خواهی خورد، مبدأ به نمک کن» (سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۴۳).

#### ۲-۴-۴. نمونه در آداب طعام اکل از باب ششم مصباح الهدایه

عزالدین کاشانی در این باب، ضمن ترجمه مطالب *عوارف المعارف*، به قرآن کریم، سنت و دیگر آرا و نظریات فقهی و تفسیری هم توجه داشته است. برای مثال، «... چه نص کلام الهی است که "و لا تأکلوا ممّا لم یذکر اسم الله علیه" و هر چند در ظاهر تفسیر، این تسمیه مقید است به وقت ذبح و میان شافعی و ابوحنیفه رحمه الله علیها در وجوب آن خلاف است و لکن متصوفه بعد از قیام به مقتضای ظاهر تفسیر این فهم کرده‌اند که تناول طعام باید که به ذکر مقرون باشد...» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۸۹-۱۹۰).

#### ۵-۴. روش هر دو مترجم از حیث توجه به احکام فقهی و دقت در بیان جزئیات آن‌ها

روش ابومنصور اصفهانی از حیث توجه به شرع و احکام فقه، این است که «جزئیات آداب و اندیشه‌های ارباب سیروسلوک را با بیانی واضح و مدلل اقامه کرده و مطالب را علاوه بر مطابقت دادن با شرع از حیث فقه و حدیث هم بررسی کرده است» (نک: نیرومند، ۱۳۶۴: ۴۱۷). اصلی که عزالدین کاشانی کمتر از ابومنصور اصفهانی بدان پایبند بوده است. برای مثال، ابومنصور اصفهانی در بحث وضو به‌طور مفصل به تمام احکام فقهی وضو اشاره کرده درحالی‌که عزالدین کاشانی بسیار مجمل‌تر و مختصرتر از ابومنصور اصفهانی به این احکام فقهی توجه داشته و این مسئله حاکی از دغدغه‌مندی بیشتر ابومنصور اصفهانی در انتقال مباحث ضروری و مورد نیاز برای مخاطبان خود است. برای تبیین بهتر این موضوع، یک حکم فقهی درباره وضو از منظر هر دو مترجم بیان می‌شود.

#### ۱-۵-۴. نمونه‌ای از متن ابومنصور اصفهانی

«حد روی از آغاز پیشانی تا آخر زنج به درازنا و از بیخ گوش تا بیخ گوش به پهنا و سپیدی میان هر دو گوش و ظاهر ریش و هر دو سوی پیشانی از روی است و آب به بن موی پیش زنج و بروت و هر دو ابروی و هر دو کناره روی و ریش رسانیدن واجب است و ریش اگر تنک باشد، آب به بن وی باید رسانیدن و حد تنکی ریش آن است که از زیر او بشره ظاهر باشد واجب نباشد و در پاک گردانیدن گوشه هر دو چشم که مجتمع سرمه است جهد باید کرد» (سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۲۷).

#### ۲-۵-۴. نمونه‌ای از متن عزالدین کاشانی

اما عزالدین کاشانی تمام جزئیات این حکم فقهی را مختصر کرده و می‌گوید: «حد وضو از مبدأ پیشانی تا منتهای زنج از گوش به گوش عرضاً و موضع صلح و تحذیف و ظاهر لحيه نازله داخل بود» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۰۴).

#### ۶-۴. روش هر دو مترجم در میزان پایبندی به شکل صوری کتاب عوارف المعارف

##### ۱-۶-۴. تعداد و ترتیب ابواب

ابومنصور اصفهانی بیش از عزالدین کاشانی به شکل صوری کتاب *عوارف المعارف* پایبند بوده است و در زمینه تعداد و ترتیب ابواب، تابع *عوارف المعارف* است که یک مقدمه کوتاه و شصت و سه باب دارد گرچه «مترجم به شیوه ترجمه رساله قشیریه، همه مطالب را از آغاز تا انجام ترجمه نکرده، اما در کمال ذوق و مهارت، اصول مطالب و نظم و ترتیب کتاب *عوارف* را مرعی و محفوظ داشته و آنچه از آیات و احادیث برگزیده اکثر آن‌ها را ترجمه کرده و علاوه بر آن، به اقتضای مقام و مقال، مطالبی از خود در ترجمه متن افزوده است» (سهروردی، ۱۳۷۴: سی و پنج) اما کاشانی در فصل بندی باب‌ها به شیوه خواجه عبدالله انصاری، کتاب را به ده باب و هر باب را به ده فصل تقسیم و مجموع فصول را به صد فصل می‌رساند (شعبانزاده، ۱۳۸۴: ۷۰). عزالدین کاشانی در ترتیب باب‌ها و فصول، شیوه خاصی را انتخاب کرده که با *عوارف* فرق دارد. مصباح الهدایه برداشت و ترجمه آزادی از *عوارف* به فارسی است و خود عزالدین کاشانی آن را تألیف می‌داند (ساعدی، ۱۳۹۵: ۹). عزالدین کاشانی بعد از مقدمه، در باب اول به بیان اعتقادات صوفیان در زمینه توحید و تحقیق در اسما و صفات، کلام الهی، رویت، ایمان به ملائکه، کتب، رسل الهی و... پرداخته است (کاشانی، ۱۳۸۵: ۵). در حالی که کتاب *عوارف*، بعد از مقدمه، در باب اول به «منشأ علوم صوفیان» پرداخته و اصفهانی هم در ترجمه خود تابع سهروردی است و در باب اول خود به منشأ پدید آمدن علوم صوفیان پرداخته است (سهروردی، ۱۳۷۴: ۵). پس می‌توان گفت: کاشانی در ترجمه خود، برخلاف اصفهانی، کاملاً تابع *عوارف المعارف* نیست و



در برخی از ابواب کتاب، گویا با آن بیگانه است.

برای مثال، اصفهانی به تبعیت از باب سوم *عوارف المعارف*، «در فضیلت علوم صوفیان»، باب سوم خود را با عنوان «در بیان آنکه کدام علم است که فریضه است بر سالکان و صوفیان» نامگذاری کرده و به شرح مطلب پرداخته است اما عزالدین کاشانی در *مصباح الهدایه* در باب دوم، به تعریف علم، مأخذ، اقسام علم و مقایسه آن با عقل می‌پردازد. سپس حدیثی از معراج آورده و علامت علم نافع را ذکر کرده و این فصل را با ختمی مرتبت (ص) و سخنانی از شیخ ابوطالب مکی و ابوعلی جرجانی، فایده علم‌آموزی و علم فرایض بر مسلمانان را ذکر کرده؛ در ادامه سخن هم به برشمردن علوم حقیقی پرداخته و معتقد است این علوم، تنها معلوم علمای آخرت و مشایخ صوفیه است (همان: ۱۸-۲۰).

#### ۴-۲. انتخاب عناوین فصول و ابواب کتاب

ابومنصور اصفهانی در انتخاب عناوین هر باب در ترجمه خود با کتاب *عوارف المعارف* در توافق است. نام‌گذاری ابومنصور بدین ترتیب است: «در بیان منشأ و پدید آمدن علم صوفیان، در بیان آنکه طایفه صوفیان مخصوص‌اند به حسن استماع، در بیان آنکه کدام علم است که فریضه است بر سالکان و صوفیان، در شرح احوال صوفی و اختلاف راه ایشان، در بیان ماهیت تصوف، در بیان نام نهادن ایشان بدین اسم، در بیان تصوف و آنان که خود را بدیشان مانند کنند، در بیان ملامتی و شرح حال او» (همان: ۴-۵).

اما عزالدین کاشانی نه تنها در تعداد و ترتیب ابواب بلکه در نامگذاری عناوین هم تا حدودی دخل و تصرف کرده است. برای مثال، عناوین کل ده باب *مصباح الهدایه* هم بدین شرح است: «در بیان اعتقادات صوفیان، در بیان علوم، در بیان معارف، در اصطلاحات صوفیان، در بیان مستحسنان متصوفه، در آداب، در اعمال، در اخلاق، در بیان مقامات، در بیان احوال و ختم کتاب» (کاشانی، ۱۳۸۵: یازده).

#### ۴-۷. روش هر دو مترجم در استخدام ابزارهای زبانی و ادبی

سبک‌شناسی زبانی هر دو اثر، در عین تشابه از جهاتی هم کاملاً متفاوت است؛ زیرا هر دو مترجم از آیات، روایات، سخنان مشایخ صوفیه، شواهد شعری فارسی و عربی و

آرایه‌های بلاغی برای تقویت اثر خود بهره برده‌اند؛ اما نوع کاربرد و روش استفاده از ابزار فوق در هر دو ترجمه متفاوت است. برای مثال، تعداد آرایه‌های بلاغی در مصباح الهدایه نسبت به ترجمه ابومنصور اصفهانی کمتر است. همچنین ابومنصور اصفهانی در ترجمه خود، نه تنها ترکیبات وصفی مقلوب را به کار برده، بلکه موصوف و صفت عربی را هم مطابقت نمی‌دهد؛ اما کاشانی طبق قاعده زبان عربی به تطابق صفت و موصوف از نظر تأنیث و تذکیر می‌پردازد (نک: کاشانی، ۱۳۸۵: نوزده؛ سهروردی، ۱۳۷۴: پنجاه و یک). در اینجا به پاره‌ای از این تفاوت‌های زبانی اشاره می‌شود.

#### ۴-۷-۱. میزان سادگی و روانی کلام و قابلیت فهم برای عموم مخاطبان

ترجمه ابومنصور اصفهانی، هر چند در گیرودار حمله مغول و اوضاع نابسامان اجتماعی انجام شده، ویژگی نثرهای آن عصر مانند فراوانی لغات ترکی مغولی و تکلفات زبانی را ندارد؛ اما ابومنصور اصفهانی با زبانی روان و ساده به ترجمه عوارف المعارف پرداخته است و دلیل دیگر سادگی ترجمه اصفهانی نسبت به مصباح الهدایه، تقدم زمانی ترجمه اصفهانی است؛ اما کلام عزالدین کاشانی، ساده و آسان نیست؛ زیرا فهم معانی برای کسانی که از اصول و فروع عقاید متکلمان اشعری، معتزلی، عرفا و متصوفه اسلامی بیگانه و بی‌اطلاع باشند، بسیار دشوار است. نیز کتاب از آیات، لغات دشوار عربی و عبارات نظم و نثر عربی به وفور استفاده کرده که فهم متن را برای عوام دشوار می‌سازد (کاشانی، ۱۳۷۶: ۴۹). به عبارت دیگر، نثر کتاب مصباح الهدایه با وجود سلامت، فصاحت زبان و بعضی آثار کهنگی زبانی، نه تنها در باب پاره‌ای از موضوعات بلکه در شیوه نگارش هم نسبتاً دشوار است و فهم آن برای همگان مقدور نیست (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۲۲۱؛ نیز نک: افراسیاب‌پور، ۱۳۸۹: ۷۸). البته اصفهانی هم گاهی از اصطلاحات شاذ و نادر استفاده کرده؛ اما به‌طور کلی زبانش شیواتر از کاشانی است و برخلاف کاشانی که بیشتر از عین آیات و احادیث و سخنان مشایخ متصوفه استفاده کرده، بیشتر به ترجمه موارد یادشده پرداخته است (نک: سهروردی، ۱۳۷۴: پنجاه و پنج).

البته در کتاب سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه درباره ترجمه ابومنصور نقل شده که نثر

کتاب در همه فصول یکدست نیست و مترجم در صفحات آغازین متمایل به نثر فنی است و در دیگر موارد هم گاه‌گاه به سجع و صور خیال و کاربرد فراوان واژه‌های عربی گرایش یافته و در بقیه کتاب به‌ویژه در مواردی که مسائل و احکامی خاص را بیان کرده به ساده‌نویسی گراییده است (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۲۱۳).

هرچند ترجمه ابومنصور اصفهانی، یکدست و یکنواخت نیست و به اقتضای حال مترجم فرق می‌کند؛ اما این فرازونشیب‌ها از روانی کلام نمی‌کاهد و چون بنای مترجم بر حذف اسانید و مکررات و رعایت اختصار بوده، مقداری از آیات و احادیث منقول در متن *عوارف المعارف* را که در ضمن ترجمه آورده، در واقع خدمت بزرگی به ادبیات کرده است. این ترجمه عرفانی بازمانده از قرن هفتم هجری، به فارسی شیوا که از نظر قدمت تاریخی و روانی نثر و جامعیت بر *مصباح الهمدایه* و *طریقت‌نامه* منظوم عماد فقیه ترجیح دارد و نسبت به آن دو، که نیز *عوارف* را اساس کار خود قرار داده‌اند و با افزایش‌ها و کاهش‌های دلخواه اثری مستقل ساخته‌اند، از اصالت بیشتر و مزیت ارزنده‌ای برخوردار است (سهروردی، ۱۳۷۴: سی‌وهشت مقدمه).

در یک نگاه کلی، زبان اصفهانی، روان‌تر، شیواتر و آسان‌تر از کاشانی است اما طول و تفصیل کلام عزالدین کاشانی، بیشتر از اصفهانی است.

#### ۴-۷-۱. نمونه‌ای از ترجمه ابومنصور اصفهانی از جهت سادگی و روانی

ابومنصور اصفهانی در باب بیست‌وپنجم کتابش در بیان آداب سماع، ترجمه سخن سری سقطی را آورده است: «سری سقطی رحمه گفته است که: شرط واجد سماع شنونده و بانگ‌کننده آن است که چنان بی‌خبر باشد که اگر شمشیر بر روی او زنند، او را از ضربت شدت الم خبر نباشد. شیخ گفت رحمه: این مقام پاکبازانی باشد که در کوی فقر لباس هستی از سر وجد برکشیده باشند و در مجلس انس با حریفان دمساز از اقداح راح مست گشته و بر این نوا سماع آغاز کرده» (همان: ۹۶).

#### ۴-۷-۲. نمونه‌ای از ترجمه عزالدین کاشانی از جهت تکلف زبانی

«سری سقطی رحمه الله کوید: "شرط الواجد فی زعفته ان یبلغ الی حدّ لو ضرب وجهه بالسيف لا يشعر به لوجع" و این سخن اشارت است بدان که غیبت از احساس [در

صحت] زعقات شرط است... و همچنان که حرکت در سماع و زعقه به اختیار، روا نیست جامه بر خود پاره کردن به اختیار، نه از سر غلبه حال و سلب تماسک و تمالک به طریق اولی روا نباشد چه در این صورت هم دعوی حال است بی معنی حال و هم اتلاف مال. و همچنین باید که در القای خرقه به قوال، نیتی صالح تقدیم افتد بی شائبه تکلف و ریا؛ مانند آنکه در ازای آثار وجد و تحریک داعیه شوق، خواهد که راحتی رساند به قوالی که مثار و مصدر آن قول خواهد بود» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). با مقایسه دو متن، می توان گفت که کاشانی نه تنها از عین سخن شیخ استفاده کرده بلکه زبانش دشوارتر و کلامش طویل تر از اصفهانی است؛ چنان که از لغات عربی فراوانی مانند زعقه، تماسک، تمالک، اولی، شائبه، تکلف، قوالی، مثار، مصدر و... استفاده کرده است.

#### ۲-۷-۴. میزان استفاده از آرایه های ادبی

انعکاس آرایه های بلاغی ترجمه ابومنصور اصفهانی در سطح جمله، در مقایسه با ترجمه کاشانی بیشتر است. چنان که اصفهانی از آرایه هایی مانند سجع، مراعات نظیر، تمثیل، تضاد، تنسیق الصفات، مترادفات، تشبیهات و ترکیبات بدیع، شعر منثور یا نثر منظوم به وفور استفاده کرده است. اما کاشانی ضمن بهره گیری از آرایه های ادبی نظیر سجع و استعاره و تشبیه برای بیان مسائل علمی، اگرچه کلام او را به کلام ادبی نزدیک کرده، از ارزش آموزشی آن نمی کاهد و در حقیقت جنبه تعلیم و آموزش مصباح الهمدایه بر جنبه ادبی آن می چربد (شعبانزاده، ۱۳۸۴: ۶۴). وی هر چند از تشبیه، استعاره، کنایه، سجع، جناس، تضمین مزدوج و تضاد استفاده کرده، تعداد آرایه های کاربردی او در متن کتاب، نسبت به ابومنصور اصفهانی کمتر است.

#### ۱-۲-۷-۴. نمونه ای از متن ترجمه اصفهانی

«شیخ گفت: - رحمه - این مقام پاک بازانی باشد که در کوی فقر، لباس هستی از سر وجد برکشیده باشند و در مجلس انس با حریفان دمساز از اقداح راح مست گشته و بر این نوا سماع آغاز کرده» (سهروردی، ۱۳۷۴: ۹۶).

#### ۲-۲-۷-۴. نمونه ای از متن ترجمه عزالدین کاشانی

«صفت دیگر، سرعت ملالت است. نفس را از چیزها زود ملالت پدید آید و ظن کاذب او را چنان نماید که انخلع او از امر حالی و اشتغال به امر مآلی» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۶۱).

#### ۳-۷-۴. میزان استفاده از شواهد شعری

یکی از شگردهای هر دو مترجم برای القای مفاهیم، استفاده از شواهد شعری شاعران و مشایخ صوفیه است. اصفهانی در ترجمه خود از ابیات فارسی بیش از عربی استفاده کرده است. از ۸۷ بیت عربی منقول در متن عوارف فقط در حدود ۲۳ بیت در ترجمه مذکور افتاده است. در عوض مترجم، ۴۷۰ بیت فارسی در ترجمه افزوده است که نشان می‌دهد مترجم با آثار صوفیانه مهم و مشهور زمان خود، آشنایی داشته است (سهروردی، ۱۳۷۴: سی و چهار)؛ اما عزالدین کاشانی ۷ بیت فارسی و ۱۳۳ بیت عربی آورده است که اشعار فارسی و عربی منقول در این دو ترجمه، نسبت معکوس دارند و نحوه کاربردشان نیز متفاوت است (همان: پنجاه و شش). البته در برخی موارد، نام شاعر را نیاورده که از لحاظ عدم ذکر سند، نقص محسوب می‌شود (شعبانزاده، ۱۳۸۴: ۷۳).

#### ۱-۳-۷-۴. نمونه‌ای از متن ترجمه ابومنصور اصفهانی

«و در مجلس انس با حریفان دمساز از اقداح راح مست گشته، و بر این نوا سماع آغاز کرده بیت:

بر یاد تو جام زهر چون نوش کشند      وز کوی تو عاشقان بی‌هوش کشند  
بنمای به عارفان جمال رخ خویش      تا غاشیه عشق تو بر دوش کشند»  
(سهروردی، ۱۳۷۴: ۹۶)

#### ۲-۳-۷-۴. نمونه‌ای از متن ترجمه عزالدین کاشانی

«... میان خوف و رجا و رغبت قدمی می‌زنند و می‌گویند:

اظلّت علینا منک یوماً غمامهً      اضاءت لنا برقا و ابطت رشاشها  
فلا غیمها یجلوا فیئاس طامع      و لا غیثها یأتی فیروی عطاشها»  
(کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۷۵)

#### ۴-۷-۴. روش هر دو مترجم در میزان بسط و تفصیل کلام

کاشانی بیشتر از ابومنصور اصفهانی به دنبال بسط کلام بوده و حکایات و روایات را با ذکر جزئیات بیان کرده است؛ اما ابومنصور اصفهانی بیشتر سعی کرده تا با زبانی شیوا و دلکش، معنا و مفهوم کلام سه‌روردی را انتقال دهد و در بیان حکایات و روایات، در صدد بیان جزئیات نبوده است. در نتیجه، کلام وی در مقایسه با عزالدین کاشانی موجزتر است. برای مثال، کاشانی برای ایضاح مطلب از ارائه مثال استفاده می‌کند که این امر سبب می‌شود تا کلام طولانی‌تر شود هر چند ابومنصور اصفهانی هم از ارائه مثال بهره برده است، نسبت به عزالدین کاشانی در مقام پایین‌تری قرار دارد. چنان‌که عزالدین کاشانی در باب نهم کتاب *مصباح الهدایه*، در بیان مقامات در هر ده فصل، از ارائه مثال برای ایضاح بیشتر مطلب برای مخاطب بهره برده است (کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۵۵).

#### ۴-۷-۱. نمونه‌ای از متن ترجمه ابومنصور اصفهانی

«شیخ نصرآبادی رحمه سماع دوست بود. جمعی بر او انکاری کردند، در جواب انکار ایشان این گفت: سماع بهتر از آنکه بنشینند و غیبت مردمان کنند. ابو عمرو نجید رحمه او را گفت: هیهات هیهات، زله فی السماع شر من کذا و کذا سنه تغتاب الناس: یعنی زلی و دعویی که در سماع از مرد در وجود آید، بدتر باشد از آنکه مدت‌ها به غیبت مشغول باشند. یا روزگار به طبیعت به سر برد، از بهر آنکه مدعی دعوی کند که حق تعالی [حالی] به من بخشیده است و افترا به حضرت عزت بستن از بی‌ایمانی باشد» (سه‌روردی، ۱۳۷۴: ۹۶).

#### ۴-۷-۲. نمونه‌ای از متن ترجمه عزالدین کاشانی

«ابوالقاسم نصرآبادی که از جمله اصحاب شبلی بود و به علم حدیث و کثرت روایت مشهور و معروف و در وقت خویش شیخ خراسان، شعفی به‌غایت و ولوعی تمام به سماع داشتی و اکثر اوقات بدان مشغول بودی. تا روزی میان او و ابوعمرو بن نجید که از جمله اصحاب و تلامذه ابوعثمان حیری بود و جنید را دیده، در مجمعی اتفاق اجتماع افتاد و ابوعمرو او را بر کثرت سماع، تقریعی و توییخی می‌کرد. نصرآبادی گفت: چنین است؛ لکن هر مجمعی که در او شخصی به قول مباح گویا بود و دیگران

خاموش، بهتر از آنکه جمله به غیبت گویا باشند. ابوعمرو جواب داد که "هیئات یا ابالقاسم زله فی السماع [شر] من کذا و کذا سنه یغتاب الناس. و بیان قول ابی عمرو در سیاق این جواب، آن است که زلت سماع، مشتمل است بر زلات بسیار، از آن جمله یکی افترای کذب است بر خداوند عالم تعالی و تقدس، چه اظهار وجد در سماع، اشارتی است از شخص متواجد بدان که حق تعالی او را موهبتی کرامت فرموده است بی حصول اثری از معنی مشارالیه و افترای کذب بر حق سبحانه از جمله ذنوب کبائر است" (کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

#### ۸۴. روش هر دو مترجم از حیث مثنی عارفانه

مذاق عرفانی عزالدین کاشانی بیشتر به تصوف عابدانه و زاهدانه گرایش دارد و با تصوف عاشقانه نسبت چندانی ندارد؛ زیرا تصوف در طریقت سهروردیه، همراه با زهد، تشریح، مجاهدت و انجام امور شرعی و اوراد و اذکار است و با شور و حال و وجد و سماع که شیوه بایزیدها و ابوسعیدهاست سازگاری ندارد. بنابراین نباید تعجب کرد که کتاب *مصباح الهدایه* گاهی به کتاب فقه و ادعیه شبیه‌تر شود تا به کتابی عرفانی و صوفیانه (اسفندیار، ۱۳۸۱: ۱۰).<sup>۳</sup> در واقع، غلبه شور و وجد و ذوق در نثر کتاب *مصباح چنان* که در آثار نویسندگانی چون احمد غزالی و عین‌القضات هست در این کتاب دیده نمی‌شود (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۲۲۱؛ نیز نک: افراسیاب‌پور، ۱۳۸۹: ۷۹). هرچند عزالدین کاشانی مثنی عارفانه داشته و در مکتب عرفان صاحب مسلک و نظر است، همانند عارفان قرن‌های هفتم تا نهم در بیانات خود به مسائل کلامی توجه داشته و عرفان را به کلی از دایره معرفت دینی و کلام رایج به دور نگه نداشته است (دیوسالار، ۱۳۹۲: ۳۱). اما ابومنصور اصفهانی با اینکه همانند عزالدین کاشانی در شمار طریقه سهروردیه است، بیشتر از عزالدین کاشانی سعی کرده تا به شیوه عوارف در کنار تصوف عابدانه و عارفانه، تلفیقی از ذوق و عمل را هم چاشنی کار خود قرار دهد (سهروردی، ۱۳۷۴: سی و چهار). به عبارت دیگر، ذوق شعری ابومنصور اصفهانی همراه با کثرت کاربرد ابیات فارسی و عربی در متن ترجمه وی، اثرش را دلکش‌تر و تصوف

عابدانه او را به تصوف عاشقانه نزدیک تر ساخته است. به تعبیر دیگر، هر قدر زبان احساسی تر و عاطفی تر باشد، از عقل و منطق که از ابزارهای مسائل فلسفی و کلامی است دورتر می شود (پارسی نژاد، ۱۳۸۹: ۹۴). در حقیقت، شعر می تواند در بازتاب مضامین تصوف عاشقانه به ویژه در تجارب عرفانی صوفیان در حالت وجد، سماع و... پاسخ گو باشد و رسم صوفیه آن بوده که از تمامی اشعار ولو غیر صوفیانه و حتی جاهلی در توجیه و پرورش موضوعات و تعالیم عرفانی استفاده کند (رضایتی کیشه خاله، ۱۳۸۴: ۱۹). بسامد آماری میزان کاربرد ابیات فارسی و عربی در متن ترجمه هر دو مترجم، گواه این مسئله است. چنان که عزالدین کاشانی ۱۳۳ بیت عربی و ۷ بیت فارسی و ابومنصور اصفهانی ۴۷۰ بیت فارسی و ۲۳ بیت عربی آورده است که در مجموع ابومنصور اصفهانی با داشتن ۴۹۳ بیت، توجه ویژه ای به شعر و ادب داشته است.

## ۵. نتیجه گیری

در یک نگاه کلی، هر دو مترجم، تحت تأثیر شرایط عصر خود و بینش عرفانی غالب در آن عصر، در عین داشتن متن و انگیزه واحد، تفاوت های چشمگیری در ترجمه عوارف دارند و هدف این مقاله، نشان دادن بخشی از این تفاوت هاست که از راه مقایسه تطبیقی و نقد روش شناسانه هر دو مترجم به دست آمده است. دستاوردهای اساسی این مقاله بدین شرح است:

۱. روش هر دو مترجم در استفاده از ابزارهای زبانی و کلامی کاملاً متفاوت است و عزالدین کاشانی در استفاده از این ابزارها، روشمندتر از ابومنصور اصفهانی است و اثر او توانسته بیش از اثر ابومنصور اصفهانی در نزد مخاطبان خود مقبول واقع شود؛ زیرا عزالدین کاشانی تحت تأثیر آثار عرفانی دست اول عصر خود مانند قوت القلوب، رساله شسیریه و اللمع با شیوه استدلال گرایی و اقناعی، سعی در اقناع مخاطبان دارد؛ اما ابومنصور اصفهانی چنین قصدی ندارد. به عبارت دیگر عزالدین کاشانی، ضمن بهره بردن از آرا و اندیشه های دیگران با استفاده از کثرت گرایی روشمند، الگوی خاصی برای بیان اندیشه های خود به کار گرفته است. ۲. هر چند هر دو مترجم در اثر خود



به‌شیوه آزاد عمل کرده‌اند، تعهد ابومنصور اصفهانی به متن اصلی بیشتر از عزالدین کاشانی بوده؛ در نتیجه اثر ابومنصور اصفهانی به ترجمه عوارف شبیه‌تر از مصباح الهدایه است و اثر عزالدین کاشانی بیشتر در حیطه شرحی بر عوارف قرار می‌گیرد و به‌رغم تمام تلاش عزالدین کاشانی در ترجمه و شرح این اثر ارزشمند، در حقیقت همان دانسته‌ها و یافته‌های سایر عرفا را روشمندان و منظم، تبویب و تنظیم کرده و این در حالی است که نظریات تازه عرفانی در آن کمتر دیده می‌شود. ۳. همچنین عزالدین کاشانی در تحلیل و توصیف مطالب، تبیین‌گراست و علاوه بر استفاده از شیوه استدلالی در نقد و شرح مطالب، بیشتر به دنبال چرایی مباحث عرفان و تصوف است؛ درحالی‌که ابومنصور اصفهانی از این شیوه استفاده نمی‌کند و روش ترجمه او به‌رغم همه تشابهات صوری، کاملاً با عزالدین کاشانی فرق دارد و بیشتر به دنبال تبعیت از متن مبدأ است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. نیز نک: عاطفی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۱۶۶؛ فرخیار، بی‌تا: ۹۹؛ کاشانی، ۱۳۹۳: ج ۱، ده؛ دیوسالار، ۱۳۹۲: ۳۰؛ ساعدی، ۱۳۹۵: ۷؛ آقاعتمی، ۱۳۹۳: ۹-۱۰؛ پورجوادی، ۱۳۷۲: ۲۵۰.

### 2. Gaston Bachelard

۳. نیز نک: صاد، ۱۳۹۹ق: ۱۲؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۴-۴۵.

۴. نیز نک: آق ار کاکلی، ۱۳۹۴: ۴۰؛ ساعدی، ۱۳۹۵: ۸.

### منابع

- آسایش، حسین و مشیری، سید رحیم (۱۳۸۴)، روش‌شناسی و تکنیک‌های تحقیقات علمی در علوم انسانی با تأکید بر جغرافیا، ج ۲، تهران: نشر قومس.
- آق ار کاکلی، عبدالرحمن (۱۳۹۴)، مقایسه رفتارها و اعتقادات صوفیان خانقاهی در گذشته و حال بر اساس کتاب مصباح الهدایه، پایان‌نامه ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، استاد راهنما عباس نیکبخت.
- آقاعتمی، حسن (۱۳۹۳)، آموزه‌های اخلاقی تربیتی در مصباح الهدایه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، استاد راهنما: محمدرضا حسینی جلیلیان.
- اسفندیار، محمودرضا (۱۳۸۱)، فانوس هدایت، ج ۱، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی اهل قلم.

- افراسیاب پور، علی اکبر (۱۳۸۹)، «اخلاق در مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پروتال جامع علوم انسانی، شماره ۲۲، ۷۱-۹۲.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸)، *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برومند، محمدتقی (بی تا)، *روش‌شناسی، منطق، علم*، تهران: نشر دنیا.
- پارسی‌نژاد، ایرج (۱۳۸۹)، *بهار و نقد ادبی*، تهران: نشر سخن.
- پزشکی، ناهید سادات و نریمینسا، عاتکه (۱۳۹۵)، «بازتاب هرمنوتیکی قرآن در مصباح الهدایه کاشانی»، فصلنامه علمی پژوهشی *عرفانیات*، شماره ۲۸، ۲۶-۱۱.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۷۲)، «آداب المتصوفه و حقائقها و اشاراتها از ابو منصور اصفهانی»، *معارف*، دوره نهم، شماره ۳، ۲۴۹-۲۸۲.
- پیرانی، منصور و عظیمی، فاطمه (۱۳۹۰)، «آموزه‌های اخلاقی خواب و رؤیا و تأثیر آن بر تحول شخصیت عرفا»، فصلنامه علمی پژوهشی *عرفانیات*، ۱۸-۸۹.
- پیری، دیوید.ب. (۱۳۸۳)، *چگونه نقد بنویسیم*، ترجمه منیره احمد سلطانی، چ ۱، تهران: نشر روزگار.
- دیوسالار، علی اصغر (۱۳۹۲)، *دیدگاه‌های مشترک دو اثر مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه عزالدین محمود کاشانی و گلشن راز شیخ محمود شبستری به لحاظ صوری و معنایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، استاد راهنما: ویدا وفایی.
- رضایتی کیشه خاله، محرم (۱۳۸۴)، *تحقیق در رساله قشیریه با تأملی در افکار و آثار امام قشیری*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ساعدی، سید محمد (۱۳۹۵)، *تحلیل و تطبیق و آداب صوفیانه در مصباح الهدایه عزالدین کاشانی و انسان کامل عزالدین نسفی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد دره‌شهر، استاد راهنما: علی حسن سهراب‌نژاد.
- سهراب‌زاده، مهران (۱۳۹۲)، *روش‌شناسی، معانی و کاربرد روش‌ها در تحقیقات کیفی*، چ ۱، تهران: نشر سخنوران.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۴)، *عوارف المعارف*، ترجمه ابو منصور بن عبدالمؤمن اصفهانی، به کوشش قاسم انصاری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شعبانزاده، مریم (۱۳۸۴)، «بررسی جنبه‌های فرهنگ‌نگاری در مصباح الهدایه»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، شماره ۵، ۶۳-۷۸.
- صاد، علی (۱۳۹۹ق)، *روش نقد*، چ ۱، قم: نشر هجرت.

- عاطفی، افشین (۱۳۸۱)، *بزرگان کاشان*، قم: نشر افق فردا.
- عباسی، حبیب‌الله (۱۳۹۶)، «از ترجمه تا تألیف: مقایسه ساختاری محتوایی دو ترجمه کتاب عوارف المعارف»، مجله علمی پژوهشی *تاریخ ادبیات دانشگاه شهید بهشتی تهران*، دوره ۹، شماره ۲، ۹۹-۱۱۲.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۸۸)، *سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه: از اوایل قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم (کلیات)*، تهران: مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- فتح‌اللهی، ابراهیم (۱۳۹۴)، *متدولوژی علوم قرآنی*، چ ۳، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۸)، *روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا*، چ ۱، تهران: نشر بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، تهران: نشر بنیاد حکمت اسلامی.
- فرخ‌یار، حسین (بی‌تا)، *مشاهیر کاشان*، چ ۱، کاشان: نشر راسخ.
- قاسمی، حمید و همکاران (۱۳۹۴)، *روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب*، چ ۱، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۹۳)، *تأویلات قرآن حکیم مشهور به تفسیر ابن عربی*، ترجمه سید جواد هاشمی علیا، جلد اول، چ ۱، تهران: نشر مولی.
- کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۸۵)، *مصباح الهادی و مفتاح الکفایه*، مقدمه و تصحیح و توضیحات عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، چ ۲، تهران: نشر زوار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، *مصباح الهادی و مفتاح الکفایه*، تصحیح علامه جلال‌الدین همایی، چ ۵، قم: نشر هما.
- لاری بی، کریستنسن (۱۳۸۷)، *روش‌شناسی آزمایشی*، ترجمه علی دلاور، تهران: نشر رشد.
- مرتضوی کرون، علیرضا (۱۳۶۴)، *ضوابط و اصول نقد کتاب‌های کودکان و نوجوانان*، چ ۱، تهران: کانون فرهنگ و هنر اسلامی.
- نظریبگی، مریم (۱۳۹۵)، *بررسی تطبیقی روش‌شناسی تفسیر موضوعی قرآن و ارائه تعریفی نواز آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، استاد راهنما: محسن قاسم‌پور.
- نیرومند (محقق)، کریم (۱۳۶۴)، *تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن*، زنجان: نشر کتابفروشی ستاره.
- هادوی، امین (۱۳۸۵)، *بررسی اصطلاح وقت در هفت اثر عرفانی مشهور: ترجمه رساله قشیریه*، کشف المحجوب، تمهیدات، تذکره الاولیا، عوارف المعارف، مرصادالعباد، مصباح الهادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم، استاد راهنما: محمد فولادی.

